



غول خفته عدم مشارکتی ها

حمیدرضا اکبریپور
دکتری حقوق بین الملل
عمومی

پیش از این تصور می شد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران به مانند انتخابات مجلس دوازدهم، کم رقی و با مشارکت پایین انجام گیرد؛ به ویژه که عدم هم زمانی انتخابات شوراهای ریاست جمهوری، مزید بر علت می شود و عملاً آرای قومی و قبیله ای ناشی از آن نیز نقش اش کمرنگتر می شود. از سوی دیگر نیز جبهه اصلاح طلبان ایران با شرط گذاری برای حضور در این انتخابات، حضورش را مبتنی بر تأیید صلاحیت یکی از کاندیداهای سه گانه اش کرد. با اعلام لیست افراد تأیید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان و تأیید آقای پزشکیان به عنوان یکی از گزینه های جبهه اصلاحات، موجی در فضای مجازی شکل گرفت و نمود بیرونی اندکی نیز یافت. در ابتدا و با توجه به ترکیب افراد تأیید صلاحیت شده و اختلافات ظاهری در کاندیداهای جبهه انقلاب، خوش بینی بعضاً مفرطی را در هواداران جبهه اصلاحات به وجود آورد. اما در واقعیت امر و تا این مرحله از انتخابات، فضای حقیقی کمتر متأثر از شور فضای مجازی بوده است. برخی فرازها مانند صلابت و تسلط آقای ظریف در میزگرد گفت و گو سیاسی باعث برانگیختگی بخشی از جمع متکثر و دارای اکثریت عدم مشارکتی ها شد و برنامه ریزان ستادی نیز سعی کردند از این روش استفاده کنند تا به نوعی این شوک ها سبب شود جامعه عدم مشارکتی ها را رغب به حضور در صحنه انتخابات کند اما تا اینجای کار موفق نبوده است. عمده این عدم موفقیت به نظر می رسد به رویکردی منتسب است که جناب پزشکیان در روند انتخابات اخیر در پیش گرفته اند. به رغم شعارهای عدالت محور و ضد تبعیضی که ایشان به صورت ممتد بر آن تأکید دارد و به طور قطع بخشی از جامعه نیز با آن همراه است، اما گفتمان ایشان یک گفتمان درون چارچوبی است. ما حاصل گفتمان درون چارچوبی، جذب رای در میان جامعه مشارکتی است. بدون شک در جامعه ای که مشارکت پیش فرض آن است سید رای آقای پزشکیان در اقلیت قرار دارد. ایشان می توانند با تکیه بر آرای قومی و مذهبی بخشی از این امر را جبران کنند اما بعید است که بتوانند تعیین کننده تام باشند. حتی به فرض تعیین کننده بودن و انتخاب شدن، باز هم میزان آرای اخذ شده به نسبت جمعیت واجد شرایط بسیار پایین خواهد بود و عملاً دست و پای بسته ایشان با شرایط موجود را بیشتر خواهد کرد. بنابراین با توجه به فرصت باقیمانده تا ۸ تیر ماه، آقای پزشکیان و ستاد ایشان اگر هدفشان به طور صرف فقط افزایش مشارکت نسبی نیست و عزم پیروزی در این میدان و ترسیم چشم انداز روشن و سپس گام برداشتن محکم در آن مسیر را دارند، باید گفتمانی را ارائه کنند که غول خفته عدم مشارکتی ها را بیدار کند. این بیداری صورت نمی گیرد مگر اینکه گفتمان ایشان بر خواسته های این قشر متمرکز باشد و صادقانه در آن باب به گفت و گو با مردم بنشینند. مسائلی مانند حصر، نظارت استصوابی، حجاب و تبعات ناشی از آن به ویژه اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، چشم انداز اقتصادی و راهکارهای عملی برای آنکه عملاً به تغییر رویکرد و ساختار نیازمند است از جمله مهم ترین مسائل مورد توجه عدم مشارکتی ها است؛ مسائلی که به طور منحصراً در دید رئیس جمهور نیست اما توان چانه زنی بالایی را در اختیار دارد؛ به ویژه اگر اکثریت رای قابل توجهی را کسب کند. بر همین اساس تکیه بر این نکات و شکل گیری گفتمانی حول آن و ارائه صادقانه می تواند حداقل بخشی از جمعیت خاموش را همراه سازد. چرا که ما حاصل عدم توجه به موارد فوق یا وعده های بی سرانجام در این خصوص، باعث بی اعتمادی گسترده و منجر به شیوع ناامیدی شده است. در این بین افق مؤثر و واقعی رهبران عدم مشارکت و ورود آنان به صحنه انتخابات نیز کارآمد است چرا که پایگاه خوبی در میان قشر عدم مشارکتی دارند. این امر به نوبه خود باید مبتنی بر افق واقعی باشد و نه صرفاً بر روال همیشگی انتخاب بین بد و بدتر و تصمیمات ناگهانی و بدون چشم انداز؛ نگاهی که استدلال آن صرفاً بر حال و گذر از این موقعیت استوار است. از سوی دیگر در این گفتمان باید همدلی با جامعه عدم مشارکتی به صورت پررنگ مشاهده شود. این امر کمتر دیده شده است و رویکردی که در پیش گرفته شده است بیشتر بر انداز و یا بالا به پایین بوده است. این نگاه شاید لایه های بیرونی تر عدم مشارکتی ها را تحت تأثیر قرار دهد اما لایه های درونی را مصمم تر در تصمیم خود بر عدم مشارکت می نماید. اگر پزشکیان و همراهانش بتوانند این گفت و گو صادقانه، همدلانه و با تکیه بر دغدغه های این طیف کثیر را در دستور کار خود قرار دهند، می توانند به کسب پیروزی در این انتخابات و مهم تر از آن گام برداشتن در مسیر پیشبرد امور مورد توجه حامیان خود پس از انتخابات امیدوار باشند. در غیر این صورت و با تأکید بر روند کنونی و تلاش صرف در جهت کسب رای در جامعه مشارکتی پیش فرض، شانس پیروزی ایشان کم است.

عکس: علی محمدی، هم چهره



به رئیس جمهور میانهر و نیاز داریم

حمایت بهزاد نبوی از مسعود پزشکیان و تأکید او بر سناریوی بازگشت ترامپ

پریسا هاشمی - منصوره محمدی
گروه سیاست

«انتخاب سرنوشت» نام نشست با حضور بهزاد نبوی، فعال سیاسی اصلاح طلب و نایب رئیس مجلس ششم و فیض الله عرب سرخی دیگر فعال سیاسی و تشکیلاتی اصلاح طلب است که پیرامون انتخابات ریاست جمهوری بود که در دفتر حزب توسعه ملی ایران اسلامی برگزار شد. بهزاد نبوی علاوه بر حمایت از مسعود پزشکیان، به بیان ضرورت های دولت چهاردهم برای بهبود شرایط پرداخت. او قهر با صندوق های رای را راه حل گذر از شرایط کنونی نمی داند. تحلیل های کامل نبوی و عرب سرخی در زیر آمده است:

بهباد نبوی:

خاتمی هیچ وقت نگفت من تدارکات چی هستم.

خاتمی گفت بعضی ها دولت را تدارکات چی می خواهند نه اینکه من هم تدارکات چی آنها هستم و دوستان این استفاده اشتباه را دارند و نتیجه می گیرند هیچ رئیس جمهوری این کاره نیست و قطعاً فقط باید تدارکات چی باشد

برای شروع بحث، تحلیل شما از شرایط امروز و مختصات عرصه سیاسی کنونی، به ویژه از سال ۱۴۰۰ تاکنون چیست؟
بهباد نبوی: وضع کشور مطلوب نیست و همه نیز این موضوع را قبول داریم. به نظر من از ۱۴۰۰ به بعد شرایط بهتر که نشده شاید بدتر هم شده است. تا جایی که به خاطر دارم ۱۴۰۰ وقتی آقای روحانی ریاست جمهوری را تحویل مرحوم رئیسی داد، به حاکمیت پیشنهاد کرده بود، اجازه بدهند مذاکرات احیای برجام که به حاکمیت پیشنهاد با امضای آخر به مرحله نهایی رسیده و به قرارداد بین المللی تبدیل شود. متأسفانه با این کار موافقت نشده است. با توجه به اینکه این خواسته روحانی پس از انتخابات بود و امتیاز آن به جیب روحانی، میانه روها و اصلاح طلبان نمی رفت. آن زمان تصور این بود که شاید هدف مخالف این است که دولتی که بیشتر مورد قبول حاکمیت است در ماه های بعد (یکی، دو ماه) مشکل را حل کند و مشکل برجام حل شود. حل مشکل برجام می توانست مشکلات معیشتی را حل کند. متأسفانه ۳ سال گذشت و هیچ اتفاقی نیفتاد و امروز شرایط به مراتب بدتر است. این شرایط کلی کشور است. به رغم وجود مسائل گوناگون و مختلف؛ انتخابات آزاد زیرسوال و آزادی و دموکراسی دچار مشکل اساسی است؛ معتقدم مشکل فعلی کشور که همه مردم با تمام وجود لمس می کنند مشکل اقتصاد و معیشت کشور است که تنها راه حل آن تجدیدنظر در سیاست خارجی است و این موضوع را مهم ترین و اصلی ترین مشکل در شرایط فعلی می دانم. به نظر من هنر دوره روحانی به ویژه در دوره دوم این بود که برجام را احیا کردند و کار را به مرحله آستانه نتیجه رساندند، اما متأسفانه مسئله به نتیجه نرسید.

که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنند؟
نبوی: این سوال را نباید از من پرسید چرا که در تمام ادوار انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بعد از انقلاب در انتخابات شرکت کردم غیر از سال ۹۲ که در زندان جمهوری اسلامی بودم. خانم گفت: «شناسنامه ات را بیاورم؟ که رای بدهی؟» گفتم: «نه. فکر می کردم آقای هاشمی رای بیاورد و حمایت از او خوب است که رصلاحیت شده. « در آن زمان باورم نمی شد که آقای روحانی بتواند رای بیاورد. بنابراین من در تمام ادوار معتقد به شرکت در انتخابات بودم و اصلاح طلبی هستم که تنها راه حل مشکلات و بهبود شرایط موجود را صندوق رای می دانم. اما صندوق رای ای که بتوان از آن نتایج متفاوتی گرفت. اینکه امروز تمام اصلاح طلبان معتقد به شرکت در انتخابات شدند این است که سه نامزد معرفی کرده بودند و حاکمیت یکی از آنها را تأیید کرد و در حال حاضر در عرصه رقابت نیز احساس می شود حتی امکان پیروزی نامزد معرفی شده وجود دارد و احتمال پیروزی اش روز به روز بیشتر می شود. اصلاح طلبان در این دوره نمی توانند بگویند که نامزدی نداریم و در انتخابات شرکت نمی کنیم.

عرب سرخی: در تشریح تفاوت بین اسفند ۱۴۰۲ و انتخابات کنونی ریاست جمهوری باید بگویم به رغم اینکه همواره صندوق رای را قبول داشتیم اما در اسفند ۱۴۰۲ استنباط این بود که نمی توانیم کاری انجام دهیم. کارآمد نبودن صندوق رای چند علت داشت و شرطی را جبهه اصلاحات در نظر داشتند. اولین نکته این بود که جامعه باور کند که مجلس هم نقش تأثیرگذاری دارد و شرکت در آن انتخابات هم تأثیرگذار است. اما نهاد های موازی قانون گذاری مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی مجازی و ستاد سران قوا جایگزین نهاد قانون گذاری شدند. از سوی دیگر موضوعاتی مانند فرمان یدیری مجلس که دستوراتی مانند استیضاح نشدن یک وزیر یا خارج شدن یک موضوع از دستور کار، تغییر قانونی که زمینه حضور نامزد اصلاح طلبان را کاهش داد، اعمال نظارت استصوابی که باعث رصلاحیت ها شده بود و قهر گسترده مردم با صندوق رای، زمینه اثر گذاری انتخابات در سرنوشت جامعه را به محاق برده بود. جمع بندی جبهه اصلاحات و احزاب (نه تماماً) این بود که اگر در انتخابات شرکت کنیم سرنوشت از قبل معلوم است و مجلس از کارآمدی لازم برخوردار نیست. به همین دلیل در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ شرکت نکرد. در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو جبهه اصلاحات تصمیم گرفت که نامزدهایی را معرفی کند و شرکت در انتخابات را مشروط به حضور یکی از این نامزدها کند. خوشبختانه حاکمیت نیز به این رفتار واکنش مثبت نشان داد و شرایط برای حضور و مشارکت در انتخابات مهیا شد.

شانس آقای پزشکیان را چقدر می دانید و ارزیابی شما از نتیجه انتخابات چیست؟ در صورت پیروزی آقای پزشکیان با توجه به خاستگاهی که دارد، موجب تغییر در جریان اصلاحات. مانند سال ۷۶ که آقای خاتمی این اتفاق را رقم زد - می شود؟

نبوی: سابقه آشنایی من با آقای پزشکیان به مجلس ششم برمی گردد که وزیر دولت آقای خاتمی بود. در مجلس ششم عدای ایشان را استیضاح کردند و من از موارد نادری بود که پشت میکروفن رفتم. یکبار استغفای خود را پشت میکروفن خواندم و یکبار هم برای این موضوع پشت میکروفن رفتم و از آقای پزشکیان دفاع کردم. پزشکیان را صادق، سالم و صالح دانستم و در کار خود خبره است. نه اهل امتیاز دادن به کسی بود و نه اهل امتیاز گرفتن. به همین دلیل از ایشان حمایت کردم و هیچ ارتباطی هم برای هماهنگی این دفاع داشتیم و نه چیزی از

امروز کماکان در همان نقطه ای هستیم که باید در سال ۱۴۰۰ به آن می رسیدیم. امیدوارم با انتخابات جدید ریاست جمهوری و حضور آقای پزشکیان در عرصه شایده مشکلات کشور کاهش یابد نه آنکه حل شود و همه چیز زبر و رو شود. توجه داشته باشید که تمام مشکلات با برجام حل نمی شود، بلکه بخشی از مشکلات حل خواهد شد.

فیض الله عرب سرخی: امروز مسئله اصلی دولت، عدم توازن بین درآمد ها و هزینه هاست که به عوامل بسیار زیادی برمی گردد و نتایج سخت و گران برای کشور به بار آورده است. به هر حال کشور تحت تأثیر تحریم ها در دوره آقای روحانی حداکثر تا سقف ۲۵۰ هزار بشکه نفت فروخته می شد و در دوره دولت مرحوم رئیسی تا سقف ۱/۵ میلیون بشکه نفت با تخفیف های فراوان فروخته شد که در همین حالت هم دولت با مشکل عدم امکان انتقال پول مواجه بود. حتی به رغم فروش نفت بالاتر مشکل تورم و کسری بودجه همچنان مشکل اصلی ساختار اقتصادی کشور است. وقتی با کسری بودجه سنگین با عدد رسمی ۴۰۰ همت (هزار میلیارد تومان) مواجه هستیم و راهی جز چاپ اسکناس نداریم، هزینه رو به افزایش و درآمدها در سقف پایینی قرار دارد، این مشکل کاملاً به مردم منتقل می شود. در واقع سعی می شود، مشکل تورم و کسری بودجه با افزایش مالیات ها جبران شود و با دریافتی ها مشکلات مردم را افزایش می دهیم. در شرایطی که نرخ تورم رسمی ۵۲ درصد بود، حقوق و دستمزد کارمندان ۲۰ درصد و کارگران حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. در حقیقت حداقل ۲۰ درصد سفره مردم کوچکتر شده است. برای هر کشوری که در این شرایط قرار دارد، باز شدن ورودی های اقتصادی را حل مشکل است تا تکنولوژی و سرمایه گذاری در کشور افزایش یابد و اشتغال ایجاد شود. در دنیای امروز هیچ کشوری به تنهایی نمی تواند اقتصاد خود را اداره کند. ما امروز از همکاری با بسیاری از اقتصاد های بزرگ دنیا محروم هستیم. حتی همکاری ما با چین باعث نشده که تحریم ها توسط این کشور نادیده گرفته شود. صادرات ایران با نرخ های تخفیف دار به چین ادامه دارد و منابع ایران در چین بلوکه است و ایران تنها می تواند از این کشور خرید کند؛ مانند خرید اتوبوس و واگن از چین. ایران حتی نمی تواند منابع خود را از چین منتقل کند. اصلاح سیاست خارجی تنها راه پیش پای ماست.

بخشی از اصلاح طلبان به ویژه جبهه اصلاحات در انتخابات مجلس شرکت نکردند و احساس می کردند امیدوی به تحول به ویژه در سیاست خارجی وجود ندارد. حال چه اتفاقی افتاده

کزارش
احزاب